آثار و تبعات انتقال پایتخت بررسی شد

سراب انتقال پایتخت!

گروه اجتماعی

تقریبا تمام دولت‌ها در ابتدای راه خود از لزوم تغییر پایتخت سخن گفته‌اند. رئیس دولت چهاردهم نیز بارها به مشکلات عدیده تهران و لزوم رقابت برای تولید محصولات، خواستار انتقال پایتخت کشور به مناطق جنوبی و «نزدیک دریا» شده است. اما واقعیت این است که همواره سودای انتقال پایتخت به دلایل وانگیزه‌های مختلف مطرح می‌شود؛ موضوعی که چندی ذهن‌ها را معطوف خود می‌کند، مدتی درباره آن بحث می‌شود، عده‌ای از در موافقت و مخالفت برمی‌آیند و عاقبت هم به حاشیه رانده می‌شود و مسکوت می‌ماند.

با این حال مسعود پزشکیان بار دیگر موضوع انتقال پایتخت را مطرح و گفته است: «توسعه کشور با ادامه روند فعلی امکان‌پذیر نیست، اینکه بخواهیم همچنان منابع اولیه را از جنوب کشور و دریا به مرکز بیاوریم و تبدیل به محصول کنیم و دوباره برای صادرات به جنوب بفرستیم، به شدت توان رقابت ما را مستهلک کرده و کاهش می‌دهد؛ چاره‌ای نداریم جز اینکه مرکزیت اقتصادی و سیاسی کشور را به جنوب و نزدیک دریا منتقل کنیم.»

زمانی که پزشکیان این جملات را می‌گفت، «فرزانه صادق» وزیر جدید راه و شهرسازی نیز در کنار او حضور داشت. صادق پیش‌تر در دولت تدبیر و امید، معاون معماری و شهرسازی وزارت راه و شهرسازی بود و از نزدیک در جریان مطالعات مربوط به انتقال پایتخت قرار داشت و حتی در سال ۱۳۹۸ در بارانتقال پایتخت گفته بود: «تاکنون هیچ پیشنهاد و پیش‌بینی‌ای درباره شهرهای جایگزین یا انتقال دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی به دیگر شهرها نشده است.» در عین حال تأکید کرده بود: «سیاست پیشنهادی ما تمرکززدایی از تهران است و انتقال پایتخت به طور کامل منتفی است.» بنابراین هنوز روشن نیست موضوع انتقال پایتخت دیدگاه شخصی رئیس جمهور است یا صرفا به عنوان یک چشم‌انداز بلندپروازانه مطرح شده است.

تا به اینجای کار به نظر می‌رسد که از سخنان رئیس دولت استقبال نشده و مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران در این باره گفته است «دولت‌های مختلف این موضوع را بارها مطرح کردند، اما به نتیجه مشخصی نرسید. چیزی که مهم است، تقسیم مسائل کشور در همه استان‌ها و شهرهاست و به نظر این کار ضرورت دارد.»

«عبدالرضا گلپایگانی» معاون پیشین شهرداری تهران نیز بارها به مطالعات انجام‌شده در این باره مطرح کرده است: «بحث امکان سنجی انتقال پایتخت در مجلس دو دوره قبل مطرح شده بود. وزارت راه مأمور شده بود روی این کار مطالعه کند و کارگسترده‌ای انجام شد. جمع‌بندی وزارت راه این بود که تهران را باید ساماندهی کرد. در نتیجه موضوع انتقال پایتخت منتفی شد. بحث انتقال پایتخت هم منظور پایتخت سیاسی بود. در آن گزارش مطرح شده بود که کل کارمندان وزارتخانه‌ها اگر بخواهند جابه‌جا شوند، ۵۰۰ هزار نفر می‌شوند و در نهایت به یک میلیون نفر می‌رسند. به فرض سه میلیون نفر دیگر هم کم شود؛ آیا مشکل تهران حل می‌شود؟ باید فکر اصلاح تهران بود. انتقال پایتخت باید مبتنی بر روش‌شناسی و توسعه پایدار باشد. در برنامه هفتم ظرفیت‌هایی ایجاد شده که شاید بتوان از آن ظرفیت‌ها برای تمرکززدایی در تهران استفاده کرد. اگر تمرکز توسعه و ایجاد اشتغال را به شهرهای کوچک ببریم، بخشی از مشکل تهران حل می‌شود.»

جمعیت روزافزون پایتخت، معضل مسکن و خدمات شهری، آلودگی هوا، تأمین آب آشامیدنی، خطر زلزله و بحران‌های سیاسی متعاقب آن از جمله دلایلی بوده که موضوع انتقال پایتخت را برجسته کرده است، موضوعی که در چند دهه گذشته بارها مطرح شده اما تحقق آن به خاطر ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی غیرممکن است و اساسا در علم روز دنیا، نمی‌توان تنها از منظر جغرافیایی به مسئله نگاه کرد. تهران به عنوان مرکز ثقل کشور، به مرکز تحولات مختلف، بدل شده و زیرساخت‌هایی که با هزینه‌های بسیار در بخش‌های مختلف فراهم شده و تلاش‌هایی که در راستای توسعه شهری صورت گرفته دارای چنان حجمی است که امکان انتقال را اگر نگوییم منتفی، بسیار دشوار می‌سازد، با این حال موضوع تغییر پایتخت دستکم در گفتار از موضوعات جذاب و پرکشش تمامی دولت‌ها است که تجربه ثابت کرده جز اتلاف وقت و انرژی برای نمایندگان مجلس و دولت رهاورد دیگری نخواهد داشت.

لزوم اتخاذ تصمیمات عملی با پشتوانه کارشناسی

آقامحمدخان قاجار برای نخستین بار در سال ۱۱۷۴ خورشیدی شهر تهران را به عنوان پایتخت ایران برگزید و در همین شهر هم تاجگذاری کرد. پیش از آن حدود ۵۰ بار پایتخت ایران عوض شده بود، با این حال در دهه‌های اخیر که این بحث در هر مقطعی به میان آمده، فاقد مطالعات و پشتوانه کارشناسی لازم بوده است؛ ضمن آنکه چارچوبی هم برای اجرای آن تدوین نشده و صرفا از دهه ۶۰ بارها موضوع انتقال پایتخت سیاسی و حتی تقسیم پایتخت اقتصادی با شهر دیگری مطرح شده، اما بزرگی و نشدنی بودن کار همواره عامل توقف آن بوده است. برای نخستین بار موضوع انتقال پایتخت در سال ۱۳۶۸ و در دولت سازندگی مطرح شد که چندان مورد توجه واقع نشد. پس از آن در دولت‌های نهم و دهم این موضوع برای بار دوم طرح و جلسات و تصمیمات ابتدایی و سطحی هم با هدف - خلوت کردن تهران - گرفته شد، حتی برخی از سازمان‌ها نظیر سازمان میراث فرهنگی از تهران خارج و سپس دوباره به تهران بازگشتند. همچنین طرح انتقال کارمندان به شهرستان‌ها مطرح ولی پس از مدتی این طرح متوقف شد. دلیل اصلی شکست این طرح، عدم انتقال نهاد و افراد مؤثر از تهران بوده است. سرانجام سال ۱۳۹۱، طرحی از سوی نمایندگان مجلس برای امکان سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری به مجلس داده شد. این طرح در سال ۱۳۹۴ به تصویب رسید و دولت یازدهم که بخشی از دوران خود را با مجلس نهم گذراند، به اجرای این قانون ملزم و مقرر شد شورایی به ریاست رئیس دولت و مجموعه‌ای از وزرا تشکیل و با انجام مطالعاتی مشخص شود که «آیا مشکلات تهران با انتقال پایتخت حل می‌شود یا با ساماندهی و تمرکززدایی؟» پرسشی که پاسخ متقنی برای آن ارائه نشد و پاندمی کرونا این موضوع را از اولویت خارج کرد. با این وجود نتایج جسته و گریخته مطالعات این شورا نشان می‌دهد انتقال پایتخت چاره کار نخواهد بود و باید نسبت به تمرکززدایی خدمات و امکانات از تهران و ساماندهی این شهر اقدام نمود. مخالفان سرسخت تغییر پایتخت نیز چنین دیدگاهی دارند، آن‌ها ضمن غیرقابل اجرا دانستن این تصمیم معتقدند که باید با اتخاذ برنامه عملی که پشتوانه بررسی‌های کارشناسانه دارد، برای نوسازی و بهبود مدیریت شهر تهران و کاهش مشکلات بی‌رویه آن اقدام کرد. برای حل چنین چالش‌هایی ارتقاء جایگاه مدیریت شهری با توجه به ابعاد تمرکززدایی، جلب مشارکت عمومی برای مدیریت شهری، بهبود و توسعه ساختار سازمانی، مدیریت منابع انسانی و بهبود اوضاع مالی و اقتصادی از طریق ایجاد درآمدهای پایدار باید در دستور کار قرار گیرد.

با تمرکززدایی، مشکلات کنونی تهران به حداقل می‌رسد

این حقیقتی غیرقابل انکار است که شهر تهران با چالش‌های عدیده و گسترده‌ای مواجه است، با این وجود انتقال پایتخت منابع مالی هنگفتی می‌طلبد بدون آنکه بتوان از رهاورد مثبت آن در ورنمای دقیق و روشنی داشت و از سوی دیگر مشکلات عدیده این کلانشهر از جنسی نیست که با انتقال پایتخت حل و فصل شود. این موضوع در نتایج مطالعه «امکان سنجی انتقال پایتخت» مورد تأیید قرار گرفته است. این مطالعه که مربوط به سال ۹۶ است، اشاره دارد به اینکه طرح انتقال پایتخت دستکم یک دهه به طول می‌انجامد. از این رو در این بازه زمانی احتمال بروز کمبود منابع و توقف طرح در مسیر اجرا وجود دارد. دلیل دیگری که مانع انتخاب گزینه انتقال پایتخت در این مطالعه شده، آن است که در حال حاضر مکان شهری مناسب برای پذیرش پایتخت اداری-سیاسی به لحاظ زیرساخت و منابع کافی وجود ندارد و کلانشهرهای دیگری نظیر شیراز، اصفهان، مشهد و تبریز هم بیش و کم با شرایط مشابهی مواجه‌اند و حتی به فرض آنکه پایتخت به مناطق جنوبی و نزدیک دریا انتقال یابد، به احتمال زیاد پایتخت جدید هم به مشکلات پایتخت قدیم دچار خواهد شد.

اکنون مشکلات زیست محیطی مانند آلودگی شدید هوا و کمبود آب، تراکم بالای جمعیت و نگرانی از خطر زلزله و تمرکز بیش از حد امکانات اقتصادی و آموزشی از جمله چالش‌های تهران است که به اذعان کارشناسان، این موارد در پایتخت جدید هم فشاری مضاعف را بر زیرساخت‌های شهری وارد می‌کند، بنابراین با تمرکززدایی، توزیع منابع مالی و اداری به سایر استان‌ها بسیاری از مشکلات کنونی تهران به حداقل می‌رسد. با این حال چنین راهکاری تاکنون عملی نشده و تصمیم‌گیران موفق به بهبود وضعیت پایتخت نشده‌اند. آنان برنامه‌ریزی دقیق و جامعی برای حل مشکلات این شهر ارائه نکرده‌اند و معضلات تهران به نوعی در این بی‌عملی‌ها گسترده و عمیق هم شده است.

این موضوع پیش‌تر از سوی کارشناسان حوزه شهری هم مورد انتقاد واقع شده از جمله تورج فرهادی که معتقد است: «پایتخت‌ها از آنجاکه مرکز تجمع قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به شمار می‌روند، عموما نقش اساسی در زندگی ملت‌ها دارند. این اهمیت سبب شده است که مراکز جمعیتی عمده‌ای حول کلانشهرها شکل بگیرد و تبعات منفی زیادی از خود برجا گذارد و یکی از جدی‌ترین راهکارهایی که تاکنون برای برخورد با مسئله تهران در طی سال‌های مختلف مطرح شده است، مقوله انتقال پایتخت است، حال اینکه بخش عمده‌ای از علل مشکلات شهر تهران ارتباطی با پایتخت بودن آن ندارد، وجود بافت فرسوده، خطر زلزله، آلودگی هوا، گسترش آسیب‌های اجتماعی، ترافیک و... قبل از این که متأثر از پایتختی تهران باشد، تأثیرپذیر از نحوه و کیفیت اداره شهر در طی سال‌های گذشته است. متأسفانه به لحاظ کیفیت اداره شهرها و توسعه یافتگی نهادی در زمره کشورهای توسعه یافته قرار نداریم و هنوز نتوانسته‌ایم جایگاه مفهومی به نام مدیریت شهری را تثبیت کنیم در چنین فضایی تداخل اراده‌ها در اداره شهر صورت می‌گیرد که نتیجه آن بروز ناکارآمدی و شکل‌گیری معضلات متعدد است.»

این کارشناس حوزه شهری که نقطه نظر خود را سال ۹۷ ارائه کرده، متناسب با شرایط اقتصادی آن زمان بودجه مورد نیاز برای تحقق این مسئله را برآورد کرده است. به زعم فرهادی، «جابه‌جایی مرکز سیاسی کشور نیازمند هزینه کرد بین ۷۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار است، که با توجه به شرایط اقتصادی کشور و رقم ۶۹ میلیارد دلاری فروش نفت، و با احتساب تورم، بیش از دو سال فروش نفت کشور باید فقط صرف هزینه انتقال پایتخت کشور شود. در حالی که با احتساب ارزش بازار بورس ایران به مبلغ ۶۹ میلیارد دلار، می‌توان در این دو سال بیش از دو بار بورس دیگر در کشور ایجاد و برای کل جمعیت جوان و بیکار کشور شغل فراهم کرد، تا فرآیند مهاجرت به تهران و بار معضلات این کلانشهر کاهش یابد.» از سوی دیگر دولت با کسری بودجه هنگفتی مواجه است و رئیس دولت چهاردهم اوایل شهریورماه گفته بود دولت بودجه لازم برای تأمین گندم، دارو، نهاده‌ها و حقوق بازنشستگان را ندارد و به شکل تلویحی خواستار حذف سوبسید بنزین شده بود.

اما نکته مهم‌تر مکان‌یابی پایتخت جدید با توجه به در نظر گرفتن مسائل سیاسی، امنیتی، فرهنگی، جغرافیایی و قومی است. عموما در کشور ما، فرآیند انتخاب یک شهر به عنوان مرکز استان، شهرستان و حتی بخش همراه با چالش‌ها و تنش‌های قومی و محلی بوده است که با توجه به اهمیت پایتخت، نمی‌توان تبعات جدی و مهم این مسئله را نادیده انگاشت. امروزه مرکزیت کلانشهر تهران با پذیرش جمعیت از میان تمامی اقوام، مذاهب و شهرستان‌ها، مقبولیت عام یافته و تغییر این مقبولیت به نفع شهر دیگری از طرف جامعه به آسانی پذیرفته نخواهد شد و به احتمال زیاد حامل تبعات گسترده اجتماعی و سیاسی خواهد بود. بنابراین انتظاری که از دولت می‌رود، افزایش سرمایه‌گذاری عادلانه در تمامی مناطق کشور برای پیشگیری از مهاجرت و ساماندهی تهران است تا مسائل و معضلاتی که به مرور زمان در این کلانشهر پدید آمده کاهش یابد.

آرش سمیعی، برنامه‌ریز شهری نیز این موارد را قبول دارد و موافق انتقال پایتخت از تهران به شهر دیگری نیست، چرا که اساسا این اقدام را نه امکان‌پذیر می‌داند و نه چاره کار! او به ما می‌گوید: «این موضوع در کشورهای مختلف اجرایی شده و موفقیت‌آمیز نبوده است، کشور ما نیز از این مسئله مستثنی نیست، بنابراین انتقال پایتخت مشکلات فعلی تهران را حل نمی‌کند. از طرفی زمینه‌های این کار فراهم نیست و برای چنین کار بزرگی باید مطالعات گسترده‌ای انجام داد. مطالعات سبکی در سالیان قبل انجام و صرفا به نمونه‌هایی اشاره شده و در نهایت یک سری راه حل‌هایی ارائه داده‌اند. ولی به هیچ وجه نسبت به جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و مالی این کار، مطلب روشن نیست. مهمتر از همه این است که اجرای چنین کار مهمی به یک نوع وفاق عمومی نیاز دارد، و می‌دانیم چنین وفاقی وجود ندارد. در حال حاضر که رئیس دولت صرفا در این مورد اظهارنظر کرده است، بحث درگرفته است که پایتخت به کجا منتقل شود، انتقال پایتخت ایجاد رانت می‌کند و همه می‌خواهند از این رانت بهره‌مند شوند. بنابراین خود این موضوع یک نزاع جدیدی خواهد شد.»

این برنامه‌ریز شهری عنوان می‌کند: «دلایل عمده‌ای که مدافعان برای انتقال پایتخت ذکر کرده‌اند؛ آلودگی هوا، جرم‌خیزی، مشکل مسکن و زلزله‌خیزی تهران است اما همه اینها مربوط به پایتخت بودن تهران نیست. مربوط به بزرگ بودن یک شهر است. مشکل آلودگی، مسکن، ترافیک و جرم‌خیزی در همه شهرهای بزرگ وجود دارد و با بیرون رفتن دولت از تهران هم معضلات یک شهر بزرگ حل نمی‌شود. مشکل تهران به دلیل بزرگ بودنش ناشی از تمرکز دولتی است. به این معنی که سیاست و اقتصاد در کنترل کامل دولت است و این تمرکز باعث می‌شود همه نقاط ثقل به جایی منتقل شود که دولت آنجا حضور دارد، بنابراین همه فعالیت‌ها و وزن‌شان به آنجا منتقل می‌شود. تا این تمرکز وجود دارد مشکل تهران به عنوان پایتخت هم وجود دارد، و اگر پایتخت به جای دیگری منتقل شود همان مشکل تمرکزی که تهران را به این مسائل مبتلا کرده، در آنجا هم ایجاد خواهد شد. بنابراین نه مشکل تهران حل خواهد شد و نه پایتخت جدید از این مشکلات مبرا خواهد بود.»

سمیعی مشکل اصلی را متوجه تمرکزگرایی دانسته و بیان می‌کند: «این باعث یک نابرابری در توزیع منابع شده و مشکلات و پیامدهای منفی خودش را دارد. به این معنا که کارآمدی اقتصادی، توزیع عادلانه درآمد و امکانات را از بین می‌برد. اکنون با توجه به اوضاع و احوالی که پایتخت دارد، صرف نظر از آن پیامدهای منفی زیست محیطی، با این تمرکز ثروت و تصمیم‌گیری و قدرت در تهران ما شرایطی را ایجاد کردیم که باعث شده مشارکت در عرصه اقتصادی برای سایر مناطق کاسته شود. به این معنا که برخی از مناطق کشور فقیرند و یا بالقوه برای سرمایه‌گذاری بسیار مستعد هستند. ولیکن آنجا سرمایه‌گذاری نیست. به خاطر اینکه سرمایه‌ها به تهران منتقل می‌شود. لذا معتقدم مسئله اساسی در شرایط فعلی این نیست که فرضا در تهران شاهد مجموعه مسائل محیط زیستی هستیم، بلکه موضوع اصلی این تمرکزی است که بر اقتصاد و سیاست در ایران سایه افکنده و هزینه‌های آن هزینه فقدان یک توسعه موزون اقتصادی اجتماعی و سیاسی است. آنچه به شخصا بر آن تأکید دارم، مسئله ناکارآمدی منابع است که سالیان متمادی در تهران متمرکز بوده و دوم مسئله توزیع نامناسب و ناموزون منابع و بی‌عدالتی اجتماعی است.»

تجربه ناموفق انتقال پایتخت در سایر نقاط جهان

اگرچه طبق تجربیات جهانی، اقدام به انتقال مرکز سیاسی و اداری و استقرار آن در مکان ایمن در سال‌های اخیر بسیار انجام شده است اما بر اساس شواهد و تجارب، این اقدام در اغلب کشورها تجربه موفقی نبوده است. در سطح جهانی ایده‌های مرتبط با جابه‌جایی پایتخت‌ها بیش از حد بلند پروازانه و بدون در نظرگرفتن اختلاف میان منابع مالی و سازمانی لازم و موجود کشور برای تحقق آنها شکل گرفته و به همین دلیل با شکست مواجه شده است. مالزی یکی از کشورهایی است که انتقال پایتخت سیاسی در آن شکست خورد. با اینکه پایتخت سیاسی این کشور از کوالالامپور به بوتراجایا انتقال پیدا کرد اما همچنان مشکلات پایتخت اول باقی مانده است. تجربیات انتقال پایتخت در سایر کشورها نشان می‌دهد ساخت پایتخت جدید تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر زندگی و حیات پایتخت قدیم نگذاشته و صرفا آهنگ رشد را تا حدودی کاهش داده است. در کشورهای صنعتی پیشرفته نمونه‌های معدودی از این جابه‌جایی‌های آگاهانه وجود دارد. انتخاب «بن» به عنوان پایتخت آلمان فدرال و به عنوان بازتاب تجزیه کشور در سال پیش از آن از این نمونه‌هاست. دولت آلمان پس از ادغام آلمان شرقی و آلمان غربی، با وجود اقتصاد قدرتمند و برنامه‌ریزی‌های دقیق، هنوز نتوانسته در جذب سرمایه‌های داخلی مطابق پیش‌بینی‌ها عمل کند و به همین دلیل همچنان بن به عنوان مغز متفکر سیاسی آلمان عمل می‌کند. تلاش جدی ژاپن در سه بازه زمانی از سال ۱۹۶۰ برای جابه‌جایی مقر دولتی از توکیو نمونه دیگری است. در انگلستان هم ایده پایتخت‌های جایگزین لندن به تناوب مطرح می‌شود، اما هیچ‌گاه عکس‌العمل‌های رسمی و جدی‌ای را در پی نداشته است. در میان کشورهای در حال توسعه، پاکستان نمونه خوبی از تجربه شکست خورده انتقال پایتخت است. جمعیت شهر کراچی در پاکستان با وجود انتقال پایتخت به اسلام‌آباد از ۲۳ میلیون نفر جمعیت کاهش نیافت. همچنین در زمان انتقال پایتخت از استانبول ترکیه، این شهر جمعیت چهار میلیون نفری داشت که در سال‌های بعد به ۱۱ میلیون نفر افزایش یافت. این مثال مؤید این نکته است که انتقال پایتخت لزوما منجر به کاهش تراکم جمعیتی در پایتخت نمی‌شود و با توجه به اینکه نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در ایران متمرکز و وابسته به مرکز است، انتقال پایتخت منجر به سرایت مسائل و مشکلات پایتخت قدیم به پایتخت جدید می‌شود.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی رفسنجان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یك ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت بنام متقاضی صادر خواهد شد.

۱- آقای عباس سعیدی زاده فرزند احمد در شددانگ مغازه به مساحت ۸۲,۹۷ مترمربع پلاك شماره ۴ فرعی از ۱۰۳۶ اصلی واقع در اراضی شهر رفسنجان بخش ۹ کرمان به آدرس: خیابان شریعتی غربی و استشهادیه محلی از مالک رسمی زهرا قدک.

۲- آقای سعید اسدی اودرجی فرزند محمد در شددانگ مغازه به مساحت ۱۴,۳۳ مترمربع پلاك شماره ۲ فرعی از ۱۱۴۰ اصلی واقع در اراضی شهر رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: خیابان شریعتی غربی و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی حسین جان مقدر.

۳- آقای حامد زمانی راد فرزند حمیدرضا در شددانگ خانه به مساحت ۱۳۷,۸۳ مترمربع پلاك شماره ۴۲۲۱ فرعی از ۱۸۱۷ اصلی واقع در اراضی قطب آباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: خیابان نشاطت و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی ورثه علی معاون.

۴- خانم ربابه بیواره فرزند صمداله در شددانگ خانه به مساحت ۳۲۱,۱۶ مترمربع پلاك شماره ۴۱۱۸ فرعی مجزی شده از ۲۰۱ فرعی از ۱۸۱۸ اصلی واقع در اراضی کمال آباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: بلوار هجرت کوچه ۳,۱ و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی سید احمد رضوی.

۵- خانم صدیقه امینائی چترودی فرزند جواد در شددانگ یکبابخانه به مساحت ۶۵۳,۱۵ مترمربع پلاك شماره ۴۱۲۳ فرعی مجزی شده از ۴۴۵ فرعی از ۱۸۱۸ اصلی واقع در اراضی کمال آباد رفسنجان بخش ۹ کرمان و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی محمد پیرمحمدی زاده.

۶- آقای رضا اکبری نژادکشکوئیه فرزند محمد در شددانگ زمین مزروعی به مساحت ۴۷۶۷,۱۵ مترمربع پلاك شماره ۱۲۳۵ فرعی مجزی شده از ۷۴۳ و ۷۴۴ فرعی از ۱۸۲۳ اصلی واقع در اراضی خلیل آباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: خیابان ۱۵ خرداد و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی محمد حسن سام و میرزا محمد سام زاده.

۷- آقای رضا فتوحی فرزند زین العابدین در شددانگ باغ به مساحت ۱۹۳۵۱ مترمربع پلاك شماره ۳۵۰ فرعی مجزی شده از ۵۴ فرعی از ۱۸۳۴ اصلی واقع در اراضی همت آباد رفسنجان بخش ۹ کرمان و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی محمداگاه.

۸- آقای رضا فتوحی فرزند زین العابدین در شددانگ باغ به مساحت ۵۶۸۴,۰۶ مترمربع پلاك شماره ۳۵۲ فرعی مجزی شده از ۱۴۱ فرعی از ۱۸۳۴ اصلی واقع در اراضی همت آباد رفسنجان بخش ۹ کرمان و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی محمداگاه.

۹- آقای رضا فتوحی فرزند زین العابدین در شددانگ باغ به مساحت ۱۸۳۰۲,۳۲ مترمربع پلاك شماره ۳۵۳ فرعی مجزی شده از ۵۴ فرعی از ۱۸۳۴ اصلی واقع در اراضی همت آباد آگاه رفسنجان بخش ۹ کرمان و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی محمداگاه.

۱۰- آقای محمدرضا رنجبر حسینی فرزند اصغر و خانم مهرناز محمدخانی فرزند منوچهر بالمناصفه در شددانگ باغ خشکیده به مساحت ۲۲۳۲,۴۱ مترمربع پلاك شماره ۱۰۰۶ فرعی مجزی شده از ۱۰۰ فرعی از ۱۸۶۷ اصلی واقع در اراضی رحمت آباد رفسنجان بخش ۹ کرمان و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی محمد علی محمد خانی.

۱۱- امیر میرمهدی فرزند ابوالقاسم و خانم فاطمه پوربا قری جعفرآبادی فرزند محمد بالمناصفه در شددانگ خانه به مساحت ۴۸۴,۱۵ مترمربع پلاك شماره ۲۱۳۳ فرعی از ۱۸۶۸ اصلی واقع در اراضی مومن آباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: میدان شهید امینی بزرگراه قدس و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی حسینجان کرمی زاده.

۱۲- خانم معصومه دهقان فرزند اکبر در شددانگ باغ به مساحت ۲۲۵۰,۹۰ مترمربع پلاك شماره ۵۴۷ فرعی مجزی شده از ۱۱۷ فرعی از ۱۸۶۹ اصلی واقع در اراضی ا... آباد رفسنجان بخش ۹ کرمان و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی. محمد حبیب زاده عیش ابادی.

۱۳- خانم سکینه شریفی فرزند حسن در شددانگ خانه به مساحت ۳۴۵,۶۶ مترمربع پلاك شماره ۵۵۸ فرعی مجزی شده از ۲۱۰ فرعی از ۱۸۶۹ اصلی واقع در اراضی ا...آباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: بلوار شهید عابدینی کوچه و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی فاطمه صرافی زاده.

۱۴- آقای علیرضا رجبی فرزند حسن در شددانگ خانه به مساحت ۲۳۹,۶۷ مترمربع پلاك شماره ۵۲۶۵ فرعی مجزی شده از ۷۹ فرعی از ۱۸۸۳ اصلی واقع در اراضی عباس آباد خان رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: خیابان شهید زینلی و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی علی اکبر شفیعی پور.

۱۵- آقای علی جهرمی علی اباد فرزند اسدالله در شددانگ کارگاه سنگ فروشی و سنگ بری به مساحت ۲۱۹,۲۳ مترمربع پلاك شماره ۶۸۸۴ فرعی مجزی شده از ۳۲ فرعی از ۱۸۸۳ اصلی واقع در اراضی عباس آباد خان رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: بلوار امام حسن (ع) و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی حسینعلی و عباسعلی ابراهیمی.

۱۶- آقای جواد صفارپور فرزند محمد در شددانگ خانه. به مساحت ۳۳۳,۳۸ مترمربع پلاك شماره ۵۳۲۲ فرعی مجزی شده از ۱ فرعی از ۱۹۱۰ اصلی واقع در اراضی ده شیخ رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: بلوار امام حسن خیابان زین العابدینی و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی ذبیح الله چیت ساز.

۱۷- خانم مژگان حسن شاهی راویز فرزند محمد در شددانگ خانه به مساحت ۲۵۲ مترمربع پلاك شماره ۵۳۳۷ فرعی مجزی شده از ۱ فرعی از ۱۹۱۰ اصلی واقع در اراضی ده شیخ رفسنجان بخش ۹ کرمان ادرس: خیابان شهید حیدرپور و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی سیدجواد افصح هجری.

۱۸- آقای حمید پیلتن فرزند علی در شددانگ مغازه. به مساحت ۱۷۲,۹۵ مترمربع پلاك شماره ۵۳۷۱ فرعی مجزی شده از ۱ فرعی از ۱۹۱۰ اصلی واقع در اراضی ده شیخ رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: خیابان شهید قره نی و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی سید مهدی اوحدی.

۱۹- آقای محمدرضا میرزابیگی فرزند علی در شددانگ خانه به مساحت ۲۱۳,۵۵ مترمربع پلاك شماره ۵۷۲ فرعی مجزی شده از ۱ فرعی از ۱۹۱۱ اصلی واقع در اراضی حجت آباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: خیابان مطهری دانشجو ۲۱ و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی غلامحسین ابراهیمی.

۲۰- خانم فرزانه چیت ساز فرزند محمد در شددانگ خانه به مساحت ۳۵۲,۷۶ مترمربع پلاك شماره ۳۳۲۹ فرعی مجزی شده از ۶۷ فرعی از ۱۹۱۳ اصلی واقع در اراضی اسدآباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: بلوار خلیج فارس خیابان شهید عباس ابادی و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی یلدا هجری.

۲۱- آقای میثم کریمی کهه فرزند یدالله در شددانگ. خانه به مساحت ۲۴۶,۹۷ مترمربع پلاك شماره ۴۲۴ فرعی مجزی شده از ۷۳ فرعی از ۱۹۱۴ اصلی واقع در اراضی صادق آباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: خیابان شهیدان دهقان رجبی و استشهادیه محلی از مالک رسمی کمال صداقت.

۲۲- آقای مسلم اسماعیلی بهمن آباد فرزند علی در شددانگ خانه. به مساحت ۲۱۱,۷۷ مترمربع پلاك شماره ۲۲۳۸ فرعی مجزی شده از ۱۸۷ فرعی از ۱۹۱۵ اصلی واقع در اراضی حسین آباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: خیابان شهید باد پا کوچه ۶ و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی طوبی علوی.

۲۳- خانم زهره رحیمی مهدی آباد فرزند احمد در شددانگ خانه به مساحت ۱۵۲,۲۵ مترمربع پلاك شماره ۲۲۴۵ فرعی مجزی شده از ۷۸ فرعی از ۱۹۱۵ اصلی واقع در اراضی حسین آباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: بلوار امام علی کوچه ۳۵ و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی علی صالحی.

۲۴- خانم آسیه رمضانی حمید آبادی فرزند علی در شددانگ خانه. به مساحت ۵۱۵,۲ مترمربع پلاك شماره ۱۶۳۰ فرعی مجزی شده از ۱۸۴ فرعی از ۱۹۱۶ اصلی واقع در اراضی فیض آباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: بلوار امام رضا (ع) و استشهادیه محلی از مالک رسمی غلامحسین صابری.

۲۵- خانم مهدیه عرب بدویی فرزند حسن در شددانگ یکبابخانه مشتمل بر طبقه فوقانی به مساحت ۳۰۲,۲۹ مترمربع پلاك شماره ۲۸۲۰ فرعی مجزی شده از ۱۵۳ فرعی از ۱۹۱۷ اصلی واقع در اراضی علی آباد خان رفسنجان بخش ۹ کرمان و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی محمد شفیعی پور کرمانی.

۲۶- آقای میلاد امیری سردری فرزند محرم در شددانگ خانه مخروبه مشمل بر چند اتاق به مساحت ۹۰,۹۷ مترمربع پلاك شماره ۲۹۱۸ فرعی مجزی شده از ۲۵۰ فرعی از ۱۹۱۷ اصلی واقع در اراضی علی آباد خان رفسنجان بخش ۹ کرمان خیابان کارگر و استشهادیه محلی از مالک رسمی آرامش رضوی.

۲۷- آقای محمدرضا خلیلی نژاد فرزند علی در شددانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۲۰۵۳,۴۰ مترمربع پلاك شماره ۲۹۲۶ فرعی مجزی شده از ۱۲۵ فرعی از ۱۹۱۷ اصلی واقع در اراضی علی آباد خان رفسنجان بخش ۹ کرمان و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی علی اکبر شفیعی پور کرمانی.

۲۸- آقای شهنام زینلی گلنا ابادی فرزند عباس در چهار دانگ مشاع و خانم پریا زینلی گلنا آبادی فرزند عباس در دو دانگ مشاع از ششدانگ خانه به مساحت ۴۰۵,۲۵ مترمربع پلاك شماره ۲۵۸۳ فرعی مجزی شده از ۴۲ فرعی از ۱۹۱۹ اصلی واقع در اراضی سعادت آباد رفسنجان بخش ۹ کرمان به ادرس: خیابان شاه نظری و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی محمد نصیری.

۲۹- آقای حمید یوسف پور فرزند یدالله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۰۴۰,۹۶ مترمربع پلاك شماره ۱۳۵۹ فرعی مجزی شده از ۱۲۵ فرعی از ۱۹۲۰ اصلی واقع در اراضی عبدالله آباد رفسنجان بخش ۹ کرمان و حسب استشهادیه محلی از مالک رسمی یدالله یوسف پور.

۳۰- آقای محمدجواد مقیمی فرزند ابوالقاسم و خانم زهرا سعیدی فرزند احمد بالمناصفه در ششدانگ خانه به مساحت ۳۰۲,۵ مترمربع پلاك شماره ۱۲۴۵ فرعی مجزی شده از ۱۷